

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۱ نهج البلاغه در توصیف خداوند می فرماید :

«... خداوند از اندرون لانه‌های تابستانی مورچگان و خانه‌های زمستانی حشرات، از آهنگ اندوهبار زنان غم‌دیده و صدای آهسته قدم‌ها آگاهی دارد. خدای سبحان از جایگاه پرورش میوه در درون پرده‌های شکوفه و از مخفیگاه حیوانات وحشی در دل غارها و کوه‌ها و اعماق دره‌ها، از نهانگاه پشه‌ها بین ساقه‌ها و پوست درختان و از محل پیوستگی برگ‌ها به شاخسارها آگاه است.

خدا از آنچه پرده ابر را به وجود می آورد و به هم می پیوندد و از قطرات بارانی که از ابرهای متراکم می بارد و از آنچه گردبادها از روی زمین بر می دارند و باران‌ها با سیلاب آن را فرو می نشاندند و نابود می کنند، از ریشه گیاهان زمین که میان انبوه شن و ماسه پنهان شده است، از لانه پرندگانی که در قله‌های بلند کوه‌ها جای گرفته‌اند و از نغمه مرغان در آشیانه‌های تاریک، از مرواریدهایی که در دل صدف‌ها پنهان است، و امواج دریاهایی که آنها را در دامن خویش پروراندند، آگاهی دارد. این همه آگاهی هیچ‌گونه زحمت و دشواری برای او ندارد و برای نگهداری این همه مخلوقات رنگارنگ که پدیدآورده است، دچار نگرانی نمی‌شود و در تدبیر امور مخلوقات، سستی و ملالی در او راه نمی‌یابد. . . .

خدایا تو سزاوار زیباترین توصیف‌هایی و درخور آنی که فراوان ستایشت کنند. اگر تو را آرزو کنند بهترین آرزویی و اگر به تو امید بندند بهترین امیدی.»

۲- تفکر در کتاب خلقت

راه دیگر شناختن صفات خداوند، تفکر در کتاب خلقت است؛ یعنی از طریق آثار و نشانه‌های او که در سراسر جهان آفرینش متجلی است، به ویژگی‌های او بی‌بریم؛ همان‌گونه که با دیدن نوشته‌ای علاوه بر بی‌بردن به وجود نویسنده، به میزان علم و دانایی و نوع افکار و اندیشه‌هایش بی‌می‌بریم، یا همان‌گونه که با دیدن ساختمانی، از وجود سازنده و میزان مهارت و توانایی وی باخبر می‌شویم، با تفکر در جهان خلقت نیز می‌توانیم علاوه بر بی‌بردن به وجود خالق بی‌همتا با برخی از ویژگی‌ها و صفات او نیز آشنا شویم.

تنها کافی است به تفکر در عالم بنشینیم؛ آنگاه این جهان را همچون جاده‌ای رهنمون به سوی او خواهیم یافت. زیبایی‌های عالم، جلوه‌ای از زیبایی او، خوبی‌های آن، روایتگر نیکی او و عظمت‌های آن، پرتوی از قدرت و بزرگی اوست. گویی تمام اجزای عالم از او سخن می‌گویند.



هر ورقش دفتر می است معرفت کردگار

برک درختان سبز در نظر هوشار

البته به هر میزان که علم و دانش ما افزایش می یابد، بیشتر از گذشته آثار علم و قدرت خداوند را در جهان درمی یابیم و در برابر این همه عظمت، به شگفتی می آییم؛ آن چنان که عقل و اندیشه دانشمندان نیز در برابر این همه شگفتی، به حیرت می آید.

آلبرت اینشتین^۲، فیزیکدان نامی معاصر، درباره مواجهه انسان با شگفتی های بی پایان طبیعت می گوید: «ما انسان ها همچون طفلی خردسال هستیم که وارد کتابخانه ای بزرگ می شود که همه دیوارهای آن از زمین تا سقف با کتاب هایی به زبان های گوناگون پوشیده شده است. کودک می داند که باید کسی آن کتاب ها را نوشته باشد... کودک طرحی مشخص در ترتیب کتاب ها می بیند؛ نظمی اسرارآمیز که او آن را درک نمی کند؛ ولی می تواند با حسی مبهم حدس بزند. به نظر من وضعیت این کودک همانند وضعیت عقل انسان در برابر خداست...»^۳.

۲- Albert Einstein

۱- سعدی

۳- فیزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری، مهدی گلشنی، صص ۴۶ و ۴۷.

یک پرسش

اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی‌اند و از طریق آنها می‌توان به صفات خالقشان پی برد، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم، به خداوند متعال نسبت دهیم؟ برای مثال، آیا می‌توان خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان دانست؟ هر خوبی و کمالی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند و کسی می‌تواند کمال و خوبی را به دیگری دهد که خود نیز آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمه همه خوبی‌ها و کمالات است. اما صفاتی که از مخلوق بودن و محدود بودن موجودات سرچشمه می‌گیرد، مثل جهل، ظلم، ضعف و جسمانی بودن، که همه نوعی نقص و کاستی است، در خدای متعال نیست؛ زیرا خداوند مخلوق و محدود نیست. به عبارت دیگر با توجه به اینکه خداوند کامل و بی‌نقص است، نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد. به عنوان نمونه این‌گونه نیست که خداوند همچون ما اگر در این مکان حضور داشته باشد، از مکان دیگر بی‌خبر باشد؛ یعنی خدا مثل اجسام محدود به یک مکان خاص نیست.



با همفکری اعضای گروه خود، برخی از صفاتی را که ویژه ما مخلوقات است و نمی‌توان آنها را به خدا نسبت داد، بیان کنید.

حمد و تسبیح

شما با ذکرهای زیر به خوبی آشنایی؛ زیرا در هر نماز آنها را تکرار می‌کنید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

آیا می‌دانید معنی این ذکرها چیست؟

«حمد» به معنای «ستایش» است. وقتی می‌گوییم «الحمد لله»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. می‌دانیم که همه زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آن اوست.

«تسبیح» به معنای «پاک و منزّه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «سبحان الله»، می‌خواهیم بگوییم «خداوند از هر نقص و عیبی، منزّه است»؛ یعنی آن نقص‌هایی که در سایر موجودات است، در او نیست و او خدایی کامل و بی‌نقص است.